



زندگات حسینی

مقام علمی امام باقر علیه السلام



شناخت و فرع آن را استنباط کرد و در آن توسعه داد و تَبَقَّرَ [به معنای] توسعه دادن است.»

در باره معنای باقر احتمال دیگری نیز ذکر شده و آن اینکه «لُقِّبَ بِهِ لِكَثْرَةِ سُجُودِهِ فَقَدْ بَقَّرَ جَهَنَّمَ أَيَّ فَتْحَهَا وَوَسَعَهَا»^۲ به او باقر گفته شده، برای زیادی سجده‌هایش و باز شدن و توسعه پیشانی‌اش.»

۲. الشیبه، چون شبیه جدش

۱. عیون الاخبار و فنون الآثار، ص ۲۱۳؛ عمده الطالب، ص ۱۸۳.

۲. مرآة الزمان فی التواریخ الاعیان، ج ۵، ص ۷۸.

شناخت کوتاهی از زندگی امام

باقر علیه السلام

حضرت محمد باقر علیه السلام در سال ۵۷ هجری در «مدینه» چشم به جهان گشود. نامش محمد و کنیه‌اش ابوجعفر است و بسیاری از القاب وی اشاره به مقام علمی و معنوی ایشان دارد. این القاب عبارت‌اند از:

۱. باقر، یعنی شکافنده علوم. در علت نامگذاری به آن می‌خوانیم: «لُقِّبَ بِهِ لِأَنَّهُ بَقَّرَ الْعِلْمَ وَعَرَفَ أَصْلَهُ وَاسْتَنْبَطَ فَرْعَهُ وَتَوَسَّعَ فِيهِ وَالتَّبَقُّرُ التَّوَسُّعُ»^۱ [حضرت باقر علیه السلام] به لقب باقر یاد شده است؛ چون علم را شکافت و پایه علم را

رسول خدا ﷺ بود.^۱

۳. الامین؛ ۴. هادی؛ ۵. صابر؛
۶. شاهد.^۲ معنای هر یک از القاب
مذکوره روشن است.

پدر آن حضرت، علی بن
الحسین علیه السلام و مادر گرامی اش، «ام
عبدالله، دختر امام حسن مجتبی علیه السلام
می باشد و از این جهت او اولین فردی
است که هم از نظر پدر و هم از طرف
مادر، فاطمی و علوی بوده است؛ لذا
درباره آن حضرت گفته اند: «عَلَوِيٌّ مِنْ
عَلَوِيَّيْنِ وَفَاطِمِيٌّ مِنْ فَاطِمِيَّيْنِ وَهَاشِمِيٌّ مِنْ
هَاشِمِيَّيْنِ.»

خلفای معاصر حضرت
عبارت اند از: ۱. ولید بن عبدالملک
(۸۶-۹۶)؛ ۲. سلیمان بن عبدالملک
(۹۶-۹۹)؛ ۳. عمر بن عبدالعزیز
(۹۹-۱۰۱)؛ ۴. یزید بن عبدالملک
(۱۰۱-۱۰۵)؛ ۵. هشام بن عبدالملک
(۱۰۵-۱۲۵).

مقام علمی حضرت از دیدگاه

دیگران

مقام علمی حضرت باقر علیه السلام آن
قدر عظیم و بلند مرتبه است که خیلی
از مخالفان او نیز به این امر اعتراف و

اقرار دارند و دانشمندان فراوانی نیز به
این امر اعتراف کرده اند که به
نمونه هایی اشاره می شود:

۱. ابن حجر هیثمی می گوید:
«محمد باقر علیه السلام به اندازه ای گنجهای
پنهان معارف و دانشها را آشکار ساخته،
حقایق و حکمتها و لطایف دانشها را بیان
کرده که جز بر عناصر بی بصیرت یا بد
سیرت پوشیده نیست و از همین جا است
که وی را شکافنده و جامع علوم و
برافرازنده پرچم دانش خوانده اند.»^۳

۲. ابرش کلبی به هشام با اشاره به
امام باقر علیه السلام گفت: «إِنَّ هَذَا أَغْلَمُ أَهْلِ
الْأَرْضِ بِمَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ فَهَذَا وَكَدُّ
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؛ به راستی این مرد (محمد
باقر علیه السلام) داناترین مرد روی زمین است
نسبت به آنچه در آسمانها و زمین
می باشد. این فرزند رسول خدا ﷺ
است.»^۴

۱. اعلام الهدایة، المجمع العالمی لاهل البیت،
چاپ اول، ۱۴۲۲ ق، ج ۷، ص ۴۱.
۲. ر. ک: جنات الخلود، و ناسخ التواریخ، بخش
زندگانی امام باقر علیه السلام؛ اعلام الهدایة، ج ۷، ص ۴۱.
۳. الصواعق المحرقة، قاهرة، مكتبة القاهرة،
دوم، ص ۲۰۱.
۴. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۵۵، ح ۹؛ المناقب،

۳. عبدالله بن عطاء مکی می گوید: «من هرگز دانشمندان [اسلامی] را نزد هیچ کس به اندازه مجلس محمد بن علی علیه السلام، [از نظر علمی] حقیر و کوچک ندیدم. من «حکم بن عتیبه» را که در علم و فقه مشهور آفاق بود، دیدم که در خدمت امام باقر علیه السلام مانند کودکی در برابر استادش [زانوی ادب بر زمین زده، شیفته او گردیده] بود.»^۱

و خود حکم بن عتیبه درباره قول خداوند که می فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّمَنْتَوْسَمِينٍ»^۲ می گوید: «وَاللَّهِ مُحَمَّدٌ بِنُ عَلِيٍّ مِنْهُمْ»^۳ به خدا سوگند! محمد بن علی (امام باقر علیه السلام) جزء آنهاست.»

۴. هشام بن عبدالملک با آنکه از دشمنان سرسخت حضرت بود، خطاب به آن حضرت گفت: «لَا تُزَالُ الْعَرَبُ وَالْعَجَمُ يَسُودُهَا قُرَيْشٌ مُّادَامَ فِيهِمْ مِثْلُكَ»^۴ تا زمانی که مثل تو [در علم و مقام] وجود داشته باشد، قریش بر عرب و عجم آقایی می کند.»

۵. قتاده بن دعامة بصری، یکی از علمای عامه، خطاب به آن حضرت چنین گفت: «من در محضر فقها و در محضر ابن عباس زیاد نشستهم؛ ولی

هیچ جا قلبم مضطرب نشد، جز زمانی که در محضر شما نشستم.»^۵

۶. شمس الدین محمد بن طولون می گوید: ابو جعفر محمد بن زین العابدین ...، ملقب به باقر علیه السلام ... عالم و آقا و بزرگوار بود. او را باقر نامیده اند، چون در علم توسعه ایجاد کرد.»^۶

۷. محمد بن طلحه شافعی می گوید: «او باقر العلم و شکافنده علوم است و جامع و نشر دهنده و بلند کننده پرچم آن است.»^۷

۸. ابن ابی الحدید می گوید: «كَانَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ... سَيِّدُ فُقَهَاءِ الْحِجَازِ وَمِنْ اِئِمَّةِ

ج ۲، ص ۲۸۶؛ اعلام الهدایة، ج ۷، ص ۲۱.
 ۱. تذکرة الخواص، سبط ابن الجوزی، نجف، ۱۳۸۳ هـ. ق، ص ۳۳۷؛ کشف الغمة، اربلی، تبریز، ۱۳۸۱ هـ. ق، ص ۳۲۹؛ اعلام الهدایة، ج ۷، ص ۲۱.
 ۲. حجر / ۷۵.
 ۳. کشف الغمة، ص ۲۱۲؛ اعلام الهدایة، ج ۷، ص ۲۱.
 ۴. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۸۸؛ اعلام الهدایة، ج ۷، ص ۲۲.
 ۵. همان؛ فی حساب ائمة اهل البيت، ج ۴، ص ۱۰.
 ۶. الائمة الاثنا عشر، ص ۸۱؛ اعلام الهدایة، ج ۷، ص ۲۲.
 ۷. مطالب السؤل، ص ۸۰؛ کشف الغمة، ج ۲، ص ۳۲۹؛ الصواعق المحرقة، ص ۳۰۴.

است؛ در منابع شیعه در کتابهایی مانند: بحار الانوار، رجال کشی، کشف الغمّة، امالی صدوق، امالی شیخ طوسی، اختصاص مفید، عیون الاخبار. و در منابع اهل سنت در کتابهای: مرآة الزمان فی تواریخ الاعیان (ج ۵، ص ۷۸)، تاریخ ابن عساکر، غایة الاختصار (ص ۶۴)، تذکرة الخواص ابن جوزی (ص ۳۳۷).

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به من فرمود: «بعد از من شخصی از خاندان مرا خواهی دید که همانم من و شبیه من است» «وَيَتَقَرُّ الْعِلْمَ بِقَرَأٍ؛ عِلْمَ رَامِي شِكَاغِدٍ، شِكَاغَتِنِي [و او درهای دانش را به روی مردم خواهد گشود].»

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله زمسانی این پیشگویی را کرد که هنوز حضرت باقر علیه السلام چشم به جهان نگشوده بود. سالها گذشت تا دوران امامت حضرت

جَعْفَرِ تَعَلَّمَ النَّاسَ الْفِقْهَ؛^۱ محمد بن علی علیه السلام آقای فقهای حجاز بود، و از او و فرزندش، مردم علم فقه را آموختند.»

۹. احمد بن یوسف دمشقی می‌گوید: «منبع فضائل و افتخارات، امام محمد بن علی باقر علیه السلام است. او را باقر نامیده‌اند، چون علم را می‌شکافد و گفته شده این لقب از کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله گرفته شده که جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: در آینده، فرزندی از فرزندان حسنم را می‌بینی که همانم من است و علم را می‌شکافد، شکافتنی. هر گاه او را دیدی، سلام مرا به او برسان!»^۲

۱۰. ابن خلکان می‌گوید: ابو

جعفر محمد بن علی... یکی از امامان دوازده گانه است و «كَانَ الْبَاقِرُ عَالِمًا سَيِّدًا كَبِيرًا»^۳ امام باقر علیه السلام دانشمند و سرور و بزرگوار بوده است.»

شکافنده علوم

لقب باقر و شکافنده علوم توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت باقر علیه السلام داده شده است. این مطلب در روایات بسیاری از طریق شیعه و سنی نقل شده

۱. المدخل الى موسوعة العتبات المقدسة،

ص ۲۰۱ و اعلام الهدایة، ج ۷، ص ۲۳.

۲. اخبار الدول، ص ۱۱۱؛ اعلام الهدایة، ج ۷،

ص ۲۳.

۳. اعلام الهدایة، ج ۷، ص ۲۴؛ و فیات الاعیان،

ج ۳، ص ۳۱۴.

که زمان، زمینه آن را فراهم کرد، این است که حضرت بنیانگذار انقلاب فرهنگی و نهضت علمی شیعه و بلکه اسلام شمرده می‌شود. هر چند معارف اسلامی و تشیع به دست فرزندش امام صادق علیه السلام انتشار و توسعه یافت و به اوج خود رسید؛ ولی پایه‌گذاری و تأسیس آن با دست با کفایت امام باقر علیه السلام بود.

در دوران امام باقر علیه السلام دولت بنی امیه رو به زوال بود و مردم نیز به شدت از آنها تنفر پیدا کرده بودند و وجود فردی همچون عمر بن عبدالعزیز (که خدمت بزرگی به علم و تشیع نمود و ضربه کاری را به پیکر بنی امیه وارد کرد) و اختلاف شدیدی که در مملکت اسلامی به وجود آمده بود و در هر گوشه و کناری انقلابی به وقوع پیوسته بود و خلفا به سرعت تغییر می‌کردند - به گونه‌ای که در نوزده سال امامت حضرت باقر علیه السلام پنج خلیفه روی کار آمدند: ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک، عمر بن عبدالعزیز، یزید

سجاد علیه السلام فرا رسید. روزی جابر از کوچه‌های مدینه می‌گذشت، چشمش به حضرت باقر علیه السلام افتاد. دید درست قیافه و شمایل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دارد. پرسید: اسم تو چیست؟ گفت: محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام. آن‌گاه جابر بر پیشانی او بوسه زد و گفت: پدر و مادرم فدایت باد! پدرت، رسول خدا صلی الله علیه و آله به تو سلام رسانده است. حضرت باقر علیه السلام فرمود: «وَعَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ؛ و سلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله باد!»

از این تاریخ به بعد، جابر هر روز، دو نوبت به دیدار او می‌شتافت و مرتب به او می‌گفت: یا باقر! یا باقر! برخی نادانان می‌گفتند: جابر هزیان می‌گوید؛ ولی او می‌گفت: به خدا قسم! هزیان نمی‌گویم. این چیزی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به من خبر داده است.^۱

در نتیجه، می‌توان گفت بین مورخین از مسلمانات است که لقب باقر و شکافنده علوم توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن حضرت داده شده است.^۲

پایه‌گذاری نهضت علمی

از مهم‌ترین امتیازات امام باقر علیه السلام

۱. بحار الانوار، ج ۴۶، صص ۲۲۵-۲۲۶، ح ۵.

۲. اعلام الهدایة، ج ۷، ص ۴۱.

رسول خدا ﷺ را مورد توجه قرار داده [و جمع آوری کرده]، بنویسید؛ زیرا بیم آن دارم که دانشمندان و اهل حدیث از دنیا بروند و علم مندرس [و چراغ آن خاموش] گردد.»

امام باقر علیه السلام از این فرصت پیش آمده، به احسن وجه بهره و استفاده برده، شاگردان فراوان تربیت کرد و علوم بی شماری را به آنها تعلیم داد که در بخشهای بعدی به آنها اشاره می شود. در اینجا به یک مسئله تاریخی اشاره می کنیم:

بنیانگذاران علوم اسلامی

با ممنوعیت نقل و تدوین حدیث توسط خلفا و ادامه آن تا زمان عمر بن عبدالعزیز، این بحث مطرح می شود که اولین کسی که کتاب حدیثی و فقهی نوشت، چه کسی بود؟

در این بخش، اهل سنت (با اینکه خلفای آنان نقل و تدوین حدیث را ممنوع کرده بودند) تلاش دارند که خود را جلودار حدیث و فقه جلوه

بن عبد الملک، هشام بن عبد الملک - عواملی بود که زمینه و فرصت مناسبی برای نهضت علمی آن حضرت فراهم ساخت.

همچنان که می دانیم تا زمان عمر بن عبدالعزیز نقل حدیث ممنوع بود و این سنت سیئه توسط خلفای قبلی بنیانگذاری شده بود که بر اساس آن، گنجینه های علمی به یاد مانده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سوزانده شد و یازیر خاک از بین رفت و یا در سینه های راویان باقی ماند و نقل آنها به عنوان آرزویی به گور برده شد و ضرر و زیانهای جبران ناپذیری بر پیکر احادیث اسلامی وارد آمد و از آن زمان بود که کم کم بازار جعل و تحریف احادیث نیز گرم شد.

این وضع تا اواخر قرن اول هجری ادامه یافت؛ یعنی تا زمان به خلافت رسیدن عمر بن عبدالعزیز (۹۹ - ۱۰۱). وی بایک اقدام خردمندانه این بدعت شوم را برداشت و مردم را به نقل و تدوین حدیث تشویق کرد و طی بخشنامه ای چنین نوشت: «أَنْظُرُوا

حَدِيثَ رَسُولِ اللَّهِ فَإِنَّ كِتَابَهُ فَإِنِّي خِفْتُ دُرُوسَ الْعِلْمِ وَذَهَابَ أَهْلِهِ»^۱ احادیث

۱. صحیح بخاری، به شرح: کرمانی، بیروت، دار احیاء التراث، دوم، ج ۲، ص ۶؛ عجاج خطیب السنه قبل التدوین، قاهره، دار الفکر، ص ۳۲۹.

دهند. جلال الدین سیوطی که اصرار دارد پایه گذاران علوم اسلامی را جمعی از اهل تسنن معرفی کند، می گوید: «نخستین کسی که در فقه کتاب نوشت، ابوحنیفه بود.»^۱

و برخی از خودیها نیز نوشته اند که: «نخستین کسی که به امر عمر بن عبدالعزیز احادیث را جمع کرد، محمد بن مسلم بن شهاب زهری بود.»^۲

فعالاً به این نکته کاری نداریم که امثال زهری روایات تحریف شده را جمع آوری نموده و از روایاتی که به نحوی به نفع اهل بیت علیهم السلام و شیعه بوده، خود داری کرده است؛ اما این نکته را می خواهیم روشن کنیم که پایه گذار تمام علوم، امامان شیعه و شیعیان بوده اند؛ هر چند دستگاه استبداد حاکم مانع از انتشار و مطرح شدن آن گشته است. شواهد فراوانی نیز بر این ادعا وجود دارد:

الف. اعترافات ابن ابی الحدید

ابن ابی الحدید با صراحت می گوید که تمام علوم ریشه اش به امیر مؤمنان علیه السلام بر می گردد؛ برای اینکه در علم کلام، بزرگ معتزله و اصل بن

عطاء است که شاگرد ابی هاشم عبدالله بن محمد حنفیه بوده و ابو هاشم شاگرد پدرش، و پدرش (محمد حنفیه) شاگرد پدرش علی علیه السلام بوده است. اما اشعریها، در علم کلام منتسب به ابی الحسن علی بن [اسماعیل بن] ابی بشر الاشعری هستند و او شاگرد ابوعلی جبائی است و ابوعلی خود یکی از بزرگان معتزله است. پس اشعریها سرانجام به معتزله می رسند و چنان که گفته شد، معتزله نیز معلم معلمشان علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۳

امامیه و زیدیه نیز در کلام هر چه دارند، از علی علیه السلام دارند. اما در علم فقه، تمام فقهای عالم اسلام (مذاهب اربعه) عیال و جیره خوار علی علیه السلام هستند؛ چرا که شاگردان ابوحنیفه همچون ابی یوسف و محمد، فقه را از او گرفته اند و

۱. تأسیس الشیعة، سید حسن صدر، منشورات الاعلمی، تهران، ۲۹۸.

۲. الحدیث و درایة الحدیث، کاظم مدیر شانه چی، دفتر انتشارات اسلامی، سوم، ۱۳۶۲ ش، ص ۲۰.

۳. شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۱۷.

بسطامی، ابو محفوظ معروف کرخی، و... اعتراف کرده‌اند.^۱

علم نحو و ادبیات را همه می‌دانند که از ابداعات حضرت امیر علیه السلام است. ابی الاسود دؤئلی از آن حضرت، اصولش را آموخت^۲ و ما اضافه کنیم که خلیل بن احمد، پایه گذار علم «عروض»، معاذ بن مسلم بن ابی سارة کوفی، پایه گذار علم «صرف» و ابو عبدالله محمد بن عمران کاتب خراسانی (مرزبانی) یکی از پیشتانان علم بلاغت، از شیعیان و سرانجام از شاگردان علی علیه السلام هستند.^۳

ب. تدوین علوم

در بخش تدوین حدیث و علوم نیز شیعیان پیش قدم‌اند؛ چرا که اولین کسی که احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله را جمع آوری کرد، امیر مؤمنان علی علیه السلام بود. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله احادیثی را املا کرد و علی علیه السلام آنها را نوشت و به صورت یک کتاب تدوین شده در آورد

شافعی نیز شاگرد محمد بن حسن بوده و فقہش به ابوحنیفه بر می‌گردد و اما احمد حنبل که شاگرد شافعی است، او هم به ابوحنیفه بر می‌گردد و ابوحنیفه شاگرد جعفر بن محمد علیه السلام است و جعفر (امام صادق علیه السلام) از پدرش محمد (امام باقر علیه السلام) علوم را فرا گرفته و سرانجام امر به علی علیه السلام ختم می‌شود. اما مالک شاگرد ربیعہ الرأی و او شاگرد عکرمه، شاگرد عبدالله بن عباس و او نیز شاگرد علی علیه السلام بوده و می‌توان از طریق شافعی او را شاگرد علی علیه السلام تلقی کرد.

و اما فقه شیعه که برگشت به علی علیه السلام دارد، روشن است و علوم صحابه از عمر و عبد الله بن عباس... همه به علی علیه السلام بر می‌گردد. علم تفسیر نیز مستقیماً از او و یا شاگردش عبدالله بن عباس گرفته شده است.

و علوم طریقت [و عرفان] نیز به او ختم می‌شود؛ چرا که ارباب این فن در تمام بلاد اسلامی خود را به او منتسب می‌دانند و به این مسئله، شبلی، جنید بغدادی، سری مقطی، ابو یزید

۱. همان، صص ۱۸-۱۹.

۲. همان.

۳. ر.ک: تأسیس الشیعة، سید حسن صدر؛ شیعه پاسخ می‌دهد، سید رضا حسینی نسب، ص ۴۵.

قیس کتابهایی داشته‌اند^۵ و در زمان امام سجاد علیه السلام نیز کتاب «صحیفه سجادیه» و رساله حقوق و کتابهایی توسط جابر بن یزید، زیاد بن منذر و... تدوین شده است.^۶

آیا با این وضع، می‌توان ابوحنیفه را که در سال ۱۰۰ هجری متولد شده (یعنی شش سال بعد از شهادت امام سجاد علیه السلام) و ۴۳ سال بعد از ولادت امام باقر علیه السلام (در سال ۱۵۰) از دنیا رفته است، بنیانگذار فقه دانست، با اینکه تمامی کتبی را که نام بردیم، قبل از به دنیا آمدن ابوحنیفه تدوین شده است؟

جهاد علمی امام باقر علیه السلام

برگردیم به بحث اصلی خویش که حضرت باقر علیه السلام از فرصت پیش آمده بیشترین بهره را برد و جهاد علمی خویش را آغاز کرد. جهاد علمی حضرت در سه بخش قابل تبیین است:

که تمام حلال و حرام و احکام و سنن در آن جمع شده بود و از آن به نام «صحیفه الجامعة» یاد می‌شود^۱ و کتاب دیگری به نام «صحیفه و کتاب الفرائض» دارد که بخاری از آن حدیث نقل کرده و صدوق و شیخ طوسی و کلینی آن را در کتابهای خویش آورده‌اند.^۲

و همین طور ابورافع کتابی دارد به نام «السنن و الاحکام و القضايا» و سلمان فارسی کتابی دارد به نام «حدیث الجائلیق رومی» و ابوذر کتابی دارد به نام «خطبه»^۳ و همین طور عبدالله بن عباس کتابی در ثبت قضاوت‌های امیر مؤمنان علیه السلام و کتابی در تفسیر دارد.^۴

و ابورافع قبطنی کتابی به نام «السنن و الاحکام و القضايا» و واضح بن نباتة نویسنده عهد نامه مالک اشتر و وصیت علی علیه السلام به محمد پسرش می‌باشد. ربیعة بن سمیع کتابی در زکات حیوانات و عبیدالله بن ابی رافع مدنی، کتابی در «قضایای امیر المؤمنین علیه السلام» دارد و همین طور میثم تمار و زید بن وهب و سلیم بن

۱. وسائل الشیعة، حر عاملی، دار احیاء القرآن العربی (۲۰ جلدی)، ج ۱، مقدمه.

۲. همان.

۳. همان.

۴. رجال النجاشی، ص ۲۴۲.

۵. وسائل الشیعة، ج ۱، مقدمه.

۶. همان.

الف. تشویق به فراگیری علوم

پایه و اساس هر عمل و فعالیت و کاری، اندیشه سازی و سالم سازی فکر است. اگر بخواهد در جامعه، علم رواج پیدا کند، در گام اول باید درباره اهمیت فراگیری دانش، ارزش و عظمت علما، مراد از فراگیری علم، و آفات آن و... اندیشه سازی شود.

حضرت باقر علیه السلام این گام اول را به خوبی با بیان احادیث برداشته و سخنان گهر بار و نورانی فراوانی در این زمینه بیان کرده است.

در مورد تشویق به فراگیری علم فرمود: «الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَتَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ»^۱ کمال تمام کمال [در سه چیز]: فهمیدن دین، بردباری بر سختیها و اندازه گیری معیشت است.»

آن حضرت درباره روش فراگیری علوم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرمود: «الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمِفْتَاحُهَا السُّؤَالُ فَاسْتَلُوا يَزَحْمُكُمْ اللَّهُ فَإِنَّهُ يُؤَجِّرُ فِيهِ أَرْبَعَةَ السَّائِلِ وَالْمُعَلِّمِ وَالْمُسْتَمِعِ وَالْمَجِيبِ لَهُمْ»^۲ علم گنجینه‌هایی است و کلید آن پرسش است. پس سؤال کنید! خدا شما

را مورد رحمتش قرار دهد؛ زیرا پرسش باعث می‌شود چهار کس اجر برد: پرسشگر، معلم، شنونده و کسی که جواب می‌دهد.»

و در مورد جایگاه با ارزش علما و دانشمندان فرمود: «عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ»^۳ عالمی که از علمش بهره برده شود، برتر از هزار عابد است.»

و فرمود: «وَاللَّهِ لَمَوْتُ عَالِمٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ مَوْتِ سَبْعِينَ عَابِدًا»^۴ به خدا سوگند! مرگ یک عالم در نزد شیطان، محبوب‌تر از مرگ هفتاد عابد است.»

و درباره شرایط فراگیری علم و اخلاص و دنیاگریزی عالم فرمود: «إِنَّ النِّقَبَةَ حَتَّى النَّقْبِ الرَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِبُ فِي الْأَخْرَةِ الْمُتَمَسِّكُ بِسُنَّةِ النَّبِيِّ»^۵ فقیه حقیقی، فقیهی است که زاهد [و گریزان

۱. الکافی، کلینی، ج ۱، ص ۳۲، ح ۴؛

اعلام الهدایة، ج ۷، ص ۱۵۴.

۲. حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۱۹۲؛ اعلام الهدایة،

ج ۷، ص ۱۵۵.

۳. حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۱۸۳؛ اعلام الهدایة،

ج ۷، ص ۱۵۵.

۴. تذکرة الخواص، ص ۳۰۴.

۵. الکافی، ج ۱، ص ۷۰، ح ۸.

از [دنیا باشد و مشتاق آخرت، و پیرو سنت نبی صلی الله علیه و آله].

و نیز فرمود: «مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِيَبَاهِي بِهِ الْعُلَمَاءَ أَوْ يُمَارِيَ بِهِ السُّفَهَاءَ أَوْ يَصْرِفَ بِهِ وَجْهَ النَّاسِ إِلَيْهِ فَلْيَبْتَوِّءْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ، إِنَّ الرِّئَاسَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِأَهْلِهَا؛^۱ کسی که علم را برای مباهات و بالیدن نزد علما یا مجادله نزد سفها و یا [راهیابی در دل مردم و] جلب توجه مردم به سوی او، فراگیرد، پس نشیمنگاه خود را آتش قرار دهد. به راستی ریاست جز برای اهلس شایسته نیست.»

و درباره احتیاط و توقف در شبهات فرمود: «الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبُهَةِ خَيْرٌ مِنَ الْإِقْتِحَامِ فِي الْهَلَكَةِ وَ تَرْكُكَ حَدِيثًا لَمْ تُرْوِهِ خَيْرٌ مِنْ رَوَائِكَ حَدِيثًا لَمْ تُخْصَهُ؛^۲ توقف در نزد شبهه بهتر از فرو رفتن در هلاکت است. رها کردن حدیثی که روایت آن برایت ثابت نیست [و از همه جهت روشن نیست]، بهتر است از آنکه حدیثی را که بر آن احاطه نداری، روایت کنی.»

و فرمود: «مَا عَلِمْتُمْ فَقُولُوا، وَمَا لَمْ تَعْلَمُوا فَقُولُوا: اللَّهُ أَعْلَمُ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَسْتَرْعِ الْآيَةَ الْقُرْآنَ يَخْرُفُ فِيهَا أَبْعَدَ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ

وَالْأَرْضِ؛^۳ آنچه می دانید، بگویید و درباره آنچه نمی دانید، بگویید: خدا اعلم است. به راستی مرد آیه ای از قرآن را بیرون می کشد [و به دلخواه معنی می کند و بر اثر آن]، به فاصله دورتر از میان آسمان و زمین [سرنگون می گردد و یا] از معنای حقیقی دور می افتد.»

اینها هر کدام شاه کلیدی است برای راهنمایی علما که چگونه در نقل روایات و علوم دقت داشته باشند.

آن حضرت درباره لزوم احتیاط کامل فرمود: «حَقُّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يَقُولُوا مَا يَعْلَمُونَ وَيَقْفُوا عِنْدَ مَا لَا يَعْلَمُونَ؛^۴ حق خدا بر بندگان [عالم] آن است که هر چه می دانند، بگویند و در آنچه نمی دانند، دست نگه دارند.»

ب. نشر علوم

از نکاتی که حضرت باقر علیه السلام در مرحله اندیشه سازی بدان توجه داشته، توجه به نشر علوم و توسعه آن

۱. همان، ص ۴۷، ح ۶؛ اعلام الهدایة، ج ۷، ص ۱۵۵.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۵۰، ح ۹.

۳. همان، ص ۴۲، ح ۴.

۴. همان، ص ۴۳، ح ۷.

به راستی هر یک از نکات پیش گفته، درهای زیادی را بر روی انسان در فراگیری علم و ارائه آن باز می‌کند. حال اساسی‌ترین پرسش رخ می‌نماید و آن اینکه حالا که متوجه شدیم علم پاداش فراوان و عالم منزلت والایی دارد، علم را از چه کسانی باید بگیریم؟ و برای فراگیری علوم اسلامی در خانه چه کسانی برویم؟ و زانوی ادب در خدمت چه کسانی بزنیم؟ در این بخش نیز امام باقر علیه السلام اندیشه سازی و راهنمایی‌هایی دارد.

اولاً، علوم قرآن را تماماً مختص به اهل بیت علیهم السلام می‌داند و می‌فرماید: «لَيْسَ عِنْدَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ حَقٌّ وَلَا صَوَابٌ وَلَا أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ يَقْضِي بِقَضَاءِ حَقٍّ إِلَّا مَا خَرَجَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ»^۱ در نزد هیچ کسی از مردم حق وجود ندارد، و [سخن] صواب و راست پیدا نمی‌شود و هیچ کسی از مردم به حق قضاوت نمی‌کند، مگر از

است. فقط فراگیری علوم کافی نیست؛ باید در راه نشر آن نیز سعی کرد. در این زمینه، حضرت سخنان نغز و دلکشی دارد که فقط به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. «مَنْ عَلَّمَ بَابَ هُدًى فَلَهُ أَجْرٌ مَن عَمِلَ بِهِ وَلَا يَنْقُصُ أُولَئِكَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئاً؛ کسی که باب هدایتی را تعلیم دهد، مانند اجر کسی را دارد که به آن عمل کرده است و از پاداش عمل کنندگان کاسته نمی‌شود.»

۲. در جای دیگر فرمود: «تَذَاكَرُ السَّعِيمِ دِرَاسَةٌ وَالِدِرَاسَةُ صَلَاةٌ حَسَنَةٌ»^۲ مذاکره علمی، درس [و تعلیم] است و درس، نمازی است نیکو (پذیرفته شده).»

۳. و فرمود: «زَكَاةُ الْعِلْمِ أَنْ تُعَلِّمَهُ عِبَادَ اللَّهِ»^۳ زکات علم آن است که آن را به بندگان خدا تعلیم دهی.»

۴. و فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْبَبَ الْعِلْمَ... أَنْ يَذُكِرَ بِهِ أَهْلُ الدِّينِ وَأَهْلُ النُّوْعِ»^۴ خدا رحمت کند بنده‌ای را که علم را زنده کند... و زنده کردن علم به این است که با اهل دین و افراد با و رع مذاکره کنی.»

۱. همان، ص ۳۵، ح ۴.

۲. همان، ص ۴۱، ح ۹.

۳. همان، ح ۳.

۴. همان، ح ۷.

۵. همان، ص ۳۹۹، ح ۱.

ما اهل بیت باشد.»

و در جای دیگر فرمود: «ما یَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَدَّعِيَنَّ أَنَّ عِنْدَهُ جَمِيعُ الْقُرْآنِ كُلِّهِ ظَاهِرِهِ وَبَاطِنِهِ غَيْرَ الْأَوْصِيَاءِ؛ هیچ کس توان ندارد ادعا کند که جمیع [علوم] قرآن، ظاهر و باطنش در نزد اوست، جز اوصیاء [پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام]». «

و آن گاه صریحاً فرمود که اصل قرآن در نزد اهل بیت علیهم السلام است: «إِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي نَزَلَ مَعَ آدَمَ علیه السلام لَمْ يُرْفَعْ، وَالْعِلْمُ يُتَوَارَثُ وَكَانَ عَلِيُّ علیه السلام عَالِمَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَإِنَّهُ لَمْ يَهْلِكْ مِنَّا عَالِمٌ قَطُّ إِلَّا خَلَفَهُ مِنْ أَهْلِهِ مِنْ مِثْلِ عِلْمِهِ أَوْ مَا شَاءَ اللَّهُ؛^۲ به راستی علمی که با آدم علیه السلام نازل شد، برنگشته [و از بین نرفته]، بلکه به ارث گذاشته می شود و [آن علوم به علی علیه السلام رسیده اند و] علی علیه السلام عالم این امت است و به راستی عالمی از ما از دنیا نمی رود، مگر اینکه کسی جانشین او می شود که مثل علم او را دارد و یا آنچه که خداوند بخواهد.»

متأسفانه در جامعه اسلامی این اندیشه صحیح جا نیفتاد و الا مردم در خانه علی علیه السلام را رها نمی کردند تا جای دیگر روند و امام صادق علیه السلام را ترک

نمی گفتند تا به دنبال امثال ابوحنیفه بروند.

امام باقر علیه السلام در کنار این اندیشه سازی، مذاهب منحرفی همچون: غلات و مرجئه و... را به شدت مورد انتقاد قرار داد و آنان را به مردم معرفی کرد که جای تفصیل^۳ آن فرصت دیگری می طلبد.

ج. تدوین کتب

حضرت در کنار فرهنگ سازی به تدوین کتب پرداخته اند که مواردی ذیلاً ذکر می شود:

۱. تفسیر القرآن، چنان که محمد بن اسحاق بن ندیم در «الفهرست» به آن تصریح نموده، می گوید: «تفسیر القرآن، کتاب محمد بن علی بن الحسین علیه السلام است که ابی الجارود زیاد بن منذر رئیس جارودیّه از آن حضرت نقل کرده است» و سید حسن صدر می گوید: «جمعی از ثقات شیعه همچون ابو بصیر، یحیی بن القاسم الاسدی نیز نقل نموده اند و علی بن

۱. همان، ص ۲۲۸، ج ۲.

۲. همان، ص ۲۳۳، ج ۲.

۳. اعلام الهدایة، ج ۷، صص ۱۰۶-۱۱۶.

چهار سال اقامت در شهر مدینه پیوسته به محضر امام باقر علیه السلام و بعد از او خدمت فرزندش حضرت صادق علیه السلام شرفیاب می شد و از محضر آن دو امام همام بهره می برد و خود گفته است: «هر موضوعی که به نظرم می رسید، از امام باقر علیه السلام می پرسیدم و جواب می شنیدم؛ به طوری که سی هزار حدیث از امام پنجم و شانزده هزار حدیث از امام ششم فرا گرفتم.»^۴

علاوه بر حفظ حدیث، محمد بن مسلم کتابی دارد به نام «اربعمأة مسئله» (چهار صد مسئله) که مجموع پاسخهایی که درباره چهار صد پرسش از امامین همامین علیهم السلام گرفته است، در

۱. تأسیس الشيعة لعلوم الاسلام، ص ۳۲۷؛
الفهرست للشيخ الطوسي، ص ۹۸؛ المعجم
المفهرس لالفاظ احاديث بحار الانوار، ج ۱،
ص ۳۸؛ تدوين السنة الشريفة، ص ۱۵۴ - ۱۵۶.
۲. المعجم المفهرس لالفاظ احاديث
بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۸؛ تدوين السنة الشريفة،
صص ۱۵۴ - ۱۵۶.
۳. رجال شيخ طوسي، صص ۱۰۲ - ۱۴۲.

۴. الاختصاص، شيخ مفيد، قم، جامعه مدرسین،
ص ۲۰۱؛ رجال کشی، دانشگاه مشهد، ص ۱۶۳،
شماره ۲۷۶ و ر.ک: سیره پیشوایان، مهدی
پیشوایی، بخش زندگانی امام باقر علیه السلام.

ابراهیم بن هاشم قمی در تفسیر خود آن را از طریق ابی بصیر نقل کرده است.^۱

۲. نسخة احاديث؛ ۳. صحیفة
احاديث؛ ۴. الرسالة الى سعد
الاسكاف؛ ۵. کتابی که زرارہ روایت
کرده؛ و کتابی دیگر که عبدالمؤمن بن
القاسم آن را نقل کرده است.^۲
د. تربیت شاگردان

از مهم ترین انواع جهاد علمی حضرت باقر علیه السلام، تأسیس دانشگاه علوم اسلامی و تربیت شاگردان فراوان در عرصه های مختلف است. تعداد شاگردان آن حضرت را ۴۶۵ نفر شمرده اند.^۳ هنگام صدور دستور عمر بن عبدالعزیز مبنی بر جمع آوری و تدوین حدیث، هر کدام از یاران و شاگردان برجسته حضرت باقر علیه السلام، هزاران حدیث را حفظ داشتند و با فرصت پیش آمده، به تدوین و جمع آوری احادیث نیز پرداختند که به چند نمونه اشاره می شود:

۱. «محمد بن مسلم» از شاگردان برجسته حضرت باقر علیه السلام در فقه و حدیث است. او اهل کوفه بود و طی

انصاری متوفای ۱۴۷ که کتابی دارد.
 ۸. ابان بن تغلب بن رباح، معروف
 به ابوسعید البکری الجریری، متوفای
 ۱۴۱ ق که کتابی دارد به نام فضائل.
 ۹. زرارة بن اعین.^۳
 و از دیگر شاگردان آن حضرت که
 دارای کتاب بوده اند: سلام بن ابی عمره
 الخراسانی، مسعدة بن صدقة، مسمع
 بن عبدالملک، نضر بن مزاحم
 المنقری، عمرو بن ابی المقدام، ظریف
 بن ناصح، محمد بن الحسن بن ابی
 سارة، معاذ بن مسلم الهراء الانصاری،
 وهب بن عبدربه، کرد بن مسمع، ابی
 بصیر، ابی عبیده، سلیمان بن داود
 منقری، هیشم بن مسروق، عمرو بن
 خالد، حجاج بن دینار، اسحاق قمی
 و....^۴
 و چنان که اشاره شد، مجموع

آن گرد آورده است.^۱
 ۲. «جابر بن یزید جعفی». او نیز
 اهل کوفه بود که برای استفاده از
 محضر حضرت باقر علیه السلام به مدینه
 هجرت کرد و بهره های فراوان برد و
 اندوخته های خود را در قالب کتابهای
 ذیل به جامعه اسلامی و بشری عرضه
 کرد:
 ۱. کتاب تفسیر؛ ۲. کتاب نوادر؛
 ۳. کتاب جَمَل؛ ۴. کتاب صفین؛
 ۵. کتاب نهروان؛ ۶. کتاب مَقْتَل
 امیرالمؤمنین علیه السلام؛ ۷. کتاب مقتل
 الحسین علیه السلام.^۲
 ۳. برد الاسکاف که شاگرد
 حضرت سجاد و باقر و صادق علیهم السلام
 بوده است و کتابی دارد.
 ۴. ثابت بن ابی صفیة، معروف به
 ابو حمزة ثمالی آزدی، متوفای ۹۵۰ که
 کتابی در تفسیر و امثال آن دارد.

۵. بسام بن عبدالله صیرفی که
 دارای کتاب است.
 ۶. حجر بن زائده حضرمی که از
 محضر امام باقر و صادق علیهم السلام بهره برده
 و دارای کتاب است.
 ۷. عبدالؤمن بن قاسم بن قیس

۱. مؤلفوا الشيعة في صدر الاسلام، عبدالحسين
 شرف الدين، دوم، تهران، ص ۶۴.
 ۲. همان، ص ۳۶.
 ۳. ر.ک: وسائل الشيعة، ج ۱، مقدمه؛ و ر.ک:
 سیره پیشوایان، بخش زندگانی امام باقر علیه السلام.
 ۴. المعجم لالفاظ احاديث بحار الانوار، ج ۱،
 صص ۳۸-۳۹؛ سیر حدیث در اسلام، صص
 ۹۱-۱۰۴.

شکوه و احترام در صدر مجلس نشست. نگاهی به جمعیت انداخت و سیمای باقر العلوم علیه السلام او را جذب کرد. گفت: از ما مسیحیان هستی یا از امت مرحومه [و از مسلمانان] هستی؟ فرمود: ^۱ از امت مرحومه [و از مسلمانان] هستم. گفت: از دانشمندان آنانی یا افراد نادان؟

فرمود: از افراد نادان آنها نیستم. ^۲ گفت: اول من سؤال کنم یا شما؟ فرمود: اگر مایلید، شما سؤال کنید.

گفت: شما به چه دلیلی ادعا می کنید که اهل بهشت غذا می خورند و می آشامند، ولی مدفوعی ندارند؟ آیا دلیل و برهانی و نمونه ای برای آن دارید؟ فرمود: بلی، نمونه آن جنین در رحم مادر است که غذا می خورد و می نوشد، ولی مدفوعی ندارد. گفت: [عجب] شما گفتم از دانشمندان نیستی!

فرمود: گفتم از نادانها نیستم [و نگفتم از دانشمندان نیستم]. گفت: خبر بده مرا از لحظه ای که نه از شب است و

شاگردان آن حضرت ۴۶۵ نفر بوده اند که نام بردن از همه آنها از حوصله یک مقاله خارج است.

ه. مناظرات حضرت باقر علیه السلام

نوع دیگر از جهاد علمی امامان ما، از جمله باقر العلوم علیه السلام مناظراتی است که با افراد مختلف از مذاهب گوناگون داشته اند و مجموع این مناظرات را مرحوم طبرسی در احتجاج گرد آورده است. به نمونه ای از آنها اشاره می شود: ابوبصیر نقل کرده که حضرت باقر علیه السلام به همراه فرزندش امام صادق علیه السلام هنگام خارج شدن از قصر هشام در مقابل قصر با جمعیتی انبوه روبه رو می شوند. وقتی از وضع آنها می پرسد، می گویند: اینها کشیشان و راهبان مسیحی هستند که در مجمع بزرگ سالیانه خود منتظر آمدن اسقف اعظم هستند تا مشکلات علمی آنان را حل کند.

حضرت باقر علیه السلام می فرماید: همراه فرزندم به صورت ناشناس در آن مجمع شرکت کردم. طولی نکشید اسقف اعظم وارد شد، در حالی که خیلی سال خورده و پیر شده بود. با

۱. مِنَ الْأُمَّةِ الْفَرَحُومَةِ.

۲. قُلْتُ: نَسْتُ مِنْ جَهْلَاهَا.

نه از روز. حضرت فرمود: ساعتی از طلوع شمس^۱ که نه از شب است و نه از روز و در آن لحظه، بیماران شفا می گیرند. کشیش با عصبانیت گفت: مگر نگفتنی از دانشمندان نیستم!

فرمود: من فقط گفتم از جهال آنان نیستم. گفت: به خدا! پرسش می کنم که در جواب آن در بمانی.

فرمود: هر چه داری، بپرس! گفت: خبر بده از دو مردی که با هم متولد شدند و با هم از دنیا رفتند. یکی پنجاه سال و دیگری ۱۵۰ سال داشت. فرمود: عزیز و عزیز (یا عزیز و غرره)...

گفت: به چه دلیل عقیده دارید که نعمتهای بهشتی بر اثر مصرف کم نمی شود؟ نمونه ای برای آن دارید؟

فرمود: بلی، نمونه روشن آن آتش است که اگر صد چراغ را با آن روشن کنیم، آتش اول به حال خود باقی است...

بعد از همه سؤالات، با عصبانیت و ناراحتی فریاد کشید: «مردم! دانشمند و الامقامی را آورده اید تا مرا رسوا سازید! به خدا سوگند! تا دوازده ماه مرا در میان خود نمی بینید و این را گفت و

از مجلس بیرون رفت.^۲

از مهم ترین امتیازات امام باقر علیه السلام که زمان، زمینه آن را فراهم کرد، این است که حضرت بنیانگذار انقلاب فرهنگی و نهضت علمی شیعه و بلکه اسلام شمرده می شود. هر چند معارف اسلامی و تشیع به دست فرزندش امام صادق علیه السلام انتشار و توسعه یافت و به اوج خود رسید؛ ولی پایه گذاری و تأسیس آن با دست با کفایت امام باقر علیه السلام بود.

۱. آقای مظاهری در «کتاب چهارده معصوم»، ص ۹۱، بین طلوعین ترجمه کرده است.
 ۲. ر.ک: الدر النظیم، ص ۱۹۰؛ دلائل الامامة، ص ۱۰۶؛ اعلام الهدایة، ج ۷، صص ۹۳-۹۴؛ سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، صص ۳۴۲-۳۴۳، با تلخیص برخی قسمتها.